

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل

۲۷ مارچ ۲۰۲۱



یونس نگاه

فساد خلقی‌ها و پرچمی‌ها

جنرال دولت وزیری در مصاحبه تازه‌اش بسیار از پاک‌ی خود و هم‌حزبی‌هایش تعریف کرد. او گفت که سرمایه ندارد و هرکسی که حق سرباز را می‌خورد انسان، افغان و مسلمان نیست. درست است که مجاهدین با سیه‌کاری‌هایشان ریکارد خلقی‌ها را شکسته‌اند و در دوران پس از طالبان با وطن‌فروشی، قاچاق، اختطاف، چور، زران‌دوزی و نفاق‌افگنی حتی از همان شیطان و ابلیسی که در مسجد هر روز بد می‌گفتند، در بدی پیشی گرفته‌اند اما خلقی‌ها نباید در سایه اینان از خود فرشته بتراشند.

فساد تنها زران‌دوزی نیست. خلقی‌ها و پرچمی‌ها نیز مثل مجاهدین وطن‌شان را فروخته بودند و در رقابت اول شدن در نزدیکی با کرملین سر همدیگر را می‌بریدند، دولت یکدیگر را سقوط می‌دادند، نفرت و دشمنی را در درون مردم پکه می‌کردند. آنان نیز در بازی قومی و تعصب شهره بودند، چوکی‌ها را به خویش و رفیق‌شان توزیع می‌کردند. امین رهبر آقای دولت وزیری وقتی به قدرت رسید برادرش را همه کاره شمال ساخت و داماد و برادرزاده‌اش را رئیس استخبارات تعیین کرد. او نیز مثل رهبران جهادی به خانواده و حلقه کوچک دوستان نزدیکش اتکاء کرده بود نه به مردم و شایسته‌های کشور.

تنها پل و پلچک پراندن فساد نیست، بلکه بمباران قریه و باغ مردم نیز فساد است. خلقی‌ها و پرچمی‌ها سراسر کشور را بمباران کردند، یک سوم نفوس کشور را از وطن راندند و جوی و جر مردم را به خاک کشاندند. تنها انتحار بد نیست، اعدام صحرائی نیز زشت است. خلقی‌ها و پرچمی‌ها هزاران معلم، داکتر، انجینر، منتفد، جوان، مرد و زن هم‌وطن خود را صرفاً به خاطر اختلاف سیاسی در گورهای دسته جمعی دفن کردند.

دولت وزیری نفاق‌های داخلی هم‌حزبی‌هایش را بسیار غیرجدي و معلول مداخلات خارجی جلوه می‌دهد اما مدارک زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد جدی‌ترین جنگ خلق و پرچم در درون دولت‌شان جریان داشت. آنان بسیار بدتر از دوران کرزی و اشرف‌غنی مصروف کشتن و حذف هم‌دیگر بودند. با هر تغییر رهبر، تصفیة وحشتناک درونی شروع می‌شد. صدها نفر را اعدام می‌کردند و زندان‌ها را پر از مخالفان هم‌حزبی خود می‌کردند. حتی بیرک کارملی که جبهه ملی پدر وطن راه انداخته بود و مخالفان دولت را دعوت به مشارکت می‌کرد، سیزده نفر عضو بلندپایه دولت امین را اعدام کرد و ده‌ها تن دیگر را زندانی و منزوی ساخت.

تاریخ نویسان به نقل از دیپلمات‌های مقیم کابل نوشته‌اند که تنها در یک سال (جنوری ۱۹۸۰ و فیبروری ۱۹۸۱) پرچمی‌ها چهار بار طرح کودتای رفیقان خلقی خود را کشف و خنثی کردند. گروهی که این‌قدر مصروف خودخوری باشد، آیا فرصت کار و خدمت برایش می‌ماند و حق دارد که از دوران خود به افتخار یاد کند؟ حتی نوشته‌اند که خلقی‌ها و پرچمی‌ها در کابل کار مجاهدین را نیز انجام می‌دادند: آدم ترور می‌کردند و می‌گفتند کار مجاهدین است، بم می‌گذاشتند و می‌گفتند اشراک کرده است.

آقای وزیری داشتن یا نداشتن دالر و بلندمنزل معیار سنجش پاکی منسوبان حکومتی نیست که یادگار اصلی‌شان گرسنگی مردم و گورستان‌های پر از اعدامی و زنده به‌گور بوده است. منسوبان حکومتی که شهر و ده گرسنه به‌جا گذاشتند و کادرها و سربازان‌شان بعد از فروپاشی دولت به قصابان جهادی پیوسته در مدیریت و اجرای جنگ‌های قومی سهم گرفتند، پاک نفس نیستند و نباید انتظار شادباش از مردم داشته باشند.

آقای وزیری اگر کسی که حق سرباز را نمی‌خورد انسان، افغان و مسلمان نباشد، آیا آنانی که حق ملتی را خوردند، خون ده‌ها هزار هموطن خود را ریختند، هزاران هکتار زمین و جوی و چشمه را ویران کردند، شش میلیون افغان را آواره نمودند، حق دارند که بگویند انسان خوب و افغان پاک‌نفس اند؟